

بررسی گرایش به نحوه گذران اوقات فراغت در بین دختران مقطع متوسطه شهرستان آمل^۱

دکتر منوچهر پهلوان^۲

سیده فاطمه برزیگر^۳

چکیده:

هدف این تحقیق بررسی میزان تمایل دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر آمل به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌باشد و پژوهش حاضر در پی توصیف، تحلیل و تبیین میزان تمایل به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت و نحوه گذران آن در بین دانش‌آموزان دختر (۱۵-۱۸ سال) مقطع متوسطه در یک نمونه آماری ۳۸۰ نفر شهر آمل می‌باشد. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام گرفته‌است و داده‌های موردنیاز از طریق پرسش‌نامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و تحت ضریب همبستگی اسپیرمن مربوط گردآوری، استخراج و تحلیل شده‌است. مطالعه حاضر در قالب چارچوب نظری تحقیق با استفاده از رهیافت کارکردگرائی و ساختارگرائی انجام شده است. داده‌ها حاکی از آن است که تحصیلات والدین، مشارکت اجتماعی دختران، وضعیت اقتصادی خانواده، رشد تکنولوژی (نوع دسترسی به امکانات)، همسالان همگی نقش و رابطه معناداری با تمایل دانش آموزان به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت دارد. نتایج تحقیق همچنان نشان می‌دهد که دختران به انواع فراغت‌ها از جمله ورزش، سینما، پارک، کافی‌شاپ، مسافرت و رفتن به مراکز خرید و قدم‌زدن در خیابان‌ها تمایل دارند.

کلید واژه: اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی دختران، گروه مرجع، تحصیلات والدین، وضعیت پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، میزان دسترسی به امکانات.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۶/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۲

۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، گروه جامعه‌شناسی، بابل، ایران، pahlevan_m@baboliau.ac.ir

۳- دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی واحد بابل

۱- مقدمه و بیان مسأله

هر موجود زنده‌ای برای ادامه حیات خود با توجه به شرایط محیطی و وضع جسمی خود باید تلاش نماید. از این جهت در میان موجودات زنده، انسان وضعیت پیچیده‌ای دارد به گونه‌ای که انسان به اقتضای شرایط اقلیمی، نوع تولید و میزان نیازها به شکلی متفاوت از موجودات زنده تلاش می‌کند. همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وابستگی به گروه و سازمان یا تشکیلات گوناگون و متغیرهایی از این دست در چگونگی و میزان تلاش‌های انسان مؤثر است. آنچه به صورت واقعیت مشترک بین همه انسانها با هر شغل و حرفه و مقتضیات گوناگون وجود دارد، این است که هر فردی با توجه به شرایط خود به اندازه‌ای که بتواند نیازهای اولیه خود را تشفی نماید کار و تلاش می‌کند. به عبارت دیگر وقتی انسان در طول روز ساعاتی را به کار می‌پردازد و پس از پایان کار بقیه وقت خود را به گونه‌ای سپری می‌کند که برخی آن را برای رشد و شکوفایی شخصیت مهم می‌دانند.

فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردارند که کارشناسان از آن به مثابه آئینه فرهنگ یک جامعه یاد می‌کنند. به این معنا که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است. حتی می‌توان گفت که موجودیت و اصالت فرهنگ هر جامعه‌ای بر مبنای اوقات فراغت افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند بنا می‌شود (سلسله مباحث فرهنگ، ۱۳۸۳، ۲۵). سپری کردن اوقات فراغت به نحو مطلوب و شایسته و مناسب، نشاط روحی و رضایت خاطر را به همراه خواهد داشت. بی‌توجهی به نیازهای فراغتی جوانان و دانش‌آموزان و عدم برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی اوقات فراغت آثار سوء و چالش‌های متعددی چون انحرافات، بزهکاری و آسیب‌های مختلف اجتماعی و از دست دادن فرصت تجربه‌اندوختی و گسترش معضلات اخلاقی جامعه و ... در عرصه جامعه برجای می‌گذارد.

نگاهی گذرا به پژوهش‌هایی که در زمینه اوقات فراغت صورت گرفته نشان می‌دهد که حدود ۵۱ درصد آنان را دختران تشکیل می‌دادند. جوانان در حدود هشتاد درصد برنامه‌های تدوین شده در امر اوقات فراغت را مطلوب نمی‌دانستند و ۸۹ درصد از توزیع امکانات عمومی برای گذراندن اوقات فراغت تابستانی شکوه داشتند (واحدی، ۱۳۹۰، ۵). همچنین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه با شیوه‌های صحیح اوقات فراغت آشنا نیستند، امکانات آموزشی و پرورشی و تفریحی مناسب جهت غنی کردن اوقات فراغت در دسترس دانش‌آموزان قرار ندارد.

در این میان دانش‌آموزان طبقات پایین به دلیل اینکه مجبورند وقت بیشتری را صرف برآورده کردن نیازهای اساسی خویش کنند از اوقات فراغت کمتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. فی‌المثل معاشرت با دیگران و همچنین تماشای تلویزیون بیشترین سهم را در گذراندن اوقات فراغت این دانش‌آموزان دارند که یکی از مهمترین دلایل آن در دسترس بودن این گونه فعالیت‌هاست. ضمناً دخترانی که در اوقات فراغت تابستانی خود فعالیت‌های ورزشی، هنری و تفریحی و مطالعاتی داشته‌اند به ترتیب ۶۹/۶ درصد، ۷۴/۶ درصد، ۸۲/۷ درصد و ۸۱/۱ درصد بوده است (شعاعی، ۱۳۸۰، ۳۶).

مسئله اصلی این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی میزان تمایل به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت دختران مقطع متوسطه شهر آمل می‌باشد. با توجه به دلایل زیر می‌توان گفت که بررسی جامعه‌شناختی علاقه‌مندی شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت از اهمیت خاصی برخوردار است.

جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران به لحاظ اهمیت نقش اوقات فراغت اعتقاد دارند که جوامع انسانی به سوی «تمدن فراغت» در حال حرکت است و فعالیت‌های اوقات فراغت مانند آئینه تمام‌نمای فرهنگ یک جامعه می‌باشد. و اوقات فراغت در جامعه جدید در جایگاه زیربنای صنعت، فرهنگ و هنر نشسته است. کشور ما در ردیف جوان‌ترین کشورهای دنیا قرار دارد. بنابراین آمار برنامه‌ریزی برای این طیف عظیم با سلاقی و انتظارات بسیار متنوع کار دشواری است. اما طبق نظر کارشناسان هدایت و ایجاد امکانات برای غنی‌سازی اوقات فراغت می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و هویت آنان در طول سال نقش به‌سزایی داشته باشد.

اوقات فراغت به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی که بر ابعاد مختلف اقتصادی- اجتماعی مؤثر است و موضوع مشترک بین تمام اقشار جامعه است و بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که ارزش تربیتی فعالیت‌هایی که در اوقات فراغت انجام می‌شود نه تنها از فعالیت‌های رسمی کمتر نیست، بلکه در بعضی موارد حتی بیش از آنها مؤثر و سازنده است به‌عنوان نمونه چارلز برایت‌بیل معتقد است که فراغت و تعلیم و تربیت به طور پیچیده‌ای به هم تنیده‌اند به گونه‌ای که فراغت به تعلیم و تربیت منتهی می‌شود و تعلیم و تربیت مجدداً به فراغت ختم می‌شود بنابراین نقش اوقات فراغت در تکوین شخصیت افراد جامعه بسیار حائز اهمیت است. امروزه اوقات فراغت یکی از موضوعات اصلی و بسیار مهم در عرصه برای زندگی نوجوانان و جوانان به شمار می‌آید که با رویکرد جهانی شدن و پیدایش دهکده جهانی این مقوله از

حالت تشریفاتی به امر حیاتی و ضرورتی اجتناب ناپذیر با کارکردهای بسیار موثر در حیطه مشارکت-جویی، تربیت اجتماعی و مسؤولیت‌پذیری تبدیل شده است (کرباسی، ۱۳۸۳، ۱۰).

۲- پیشینه تحقیق

حاج عبدالباقی (۱۳۸۵)، در تحقیق خود «گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان متوسط شهر تهران» را بررسی کرده است. برای انجام این تحقیق از کل دانش‌آموزان این دوره متوسط ۳۸۵ نفر حجم نمونه تعیین شده و از روش پیمایشی و به کمک ابزار پرسش‌نامه اطلاعات جمع‌آوری شده و به کمک آمار استنباطی و از آزمون مجذور خی نتایج را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد از بین فعالیت‌های فراغتی مورد سؤال، بودن با دوستان، گذران اوقات فراغت با خانواده، انتخاب دوست غیرهمجنس و گوش-دادن به موسیقی اولویت اول تا چهارم را نشان داده است.

اصغری در تابستان ۱۳۸۵ در تحقیقی به بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر منطقه ۱۴ تهران و تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی ایشان پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر در مقطع دبیرستان سال اول تا سوم منطقه ۱۴ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ می-باشد که ۳۷۰ نفر از اعضای جامعه براساس فرمول حجم نمونه و استفاده از روش پیمایشی انتخاب شده است. نتایج به این شرح است: رابطه مستقیم و معنی‌داری بین متغیرهای مستقل گذران اوقات فراغت (ورزش و کامپیوتر و کتب غیردرسی) با متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی وجود دارد. اما رابطه‌ای معنی‌دار بین متغیرهای گذران اوقات فراغت توسط وسایل ارتباط جمعی و برنامه‌های تفریحی و کارهای هنری با پیشرفت تحصیلی دیده شده است.

ارکان (۱۳۸۳) به بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان پرداخته است. ابزار این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری دانش‌آموزان سال اول تا سال سوم متوسطه شهر یزد می-باشد که ۳۷۸ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده و از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردیده است. نتایج به دست آمده از سؤالات پژوهشی نشانگر این مطلب است که دانش‌آموزان از نحوه گذران اوقات فراغت خود چندان راضی نیستند، مراکز و امکانات اوقات فراغت را ناکافی، اما مؤثر و مریبان را کارآمد و مجرب می‌دانند در عین حال اذعان داشتند که استفاده مفیدی از این نوع مراکز نبردند زیرا آشنایی کافی با این مراکز نداشتند و تبلیغات را کم و غیر مؤثر می‌دانستند. همکاری مسؤولین را کم و بودجه را ناکافی می‌دانند. از جمله فعالیت‌های مورد علاقه آنها فعالیت‌های ورزشی، تماشای تلویزیون، کار

با کامپیوتر، یادگیری و آموزش شغل‌های مناسب شرکت در اردوهای مختلف، تفریح و مسافرت با خانواده، سینما رفتن، مطالعه شرکت در کلاس‌های آموزش و فعالیت‌های هنری است.

«سابورین و ایروین» در سال ۲۰۰۸ در تحقیقی تأثیرات اجتماعی فعالیت‌های ورزشی میان جوانان را بررسی کرده‌اند که خلاصه آن به این شرح می‌باشد؛ عادت فعالیت ورزش در اوقات فراغت، به مانند دیگر فعالیت‌های مربوط به سلامتی در اواخر دوران کودکی و اوایل دوران جوانی شکل می‌گیرد. در حالی که فعالیت‌های ورزشی معمول، بخش طبیعی از زندگی کودکان را شکل می‌دهد که در طی دوره جوانی به خصوص در میان دختران کاهش می‌یابد. در میان فاکتورهایی که بر ورزش کودکان مؤثر است، نقش والدین و دیگر اعضای شبکه اجتماعی کودکان است که اهمیت دارد. هدف این تحقیق تعیین نقش تأثیرات اجتماعی در اواخر دوران کودکی و اوایل دوران جوانی در فعالیت‌های ورزشی و تفاوت‌های جنسیتی است. اطلاعات از میان دانش‌آموزان متوسطه که از کلاس‌های انتخابی چهار مدرسه مختلف، به‌دست آمده- است (n=۵۴۸ و نسبت پاسخگویی ۹۱ درصد به‌دست آمد). پاسخگویان ۱۰ تا ۱۵ سال سن داشتند که ۵۴/۹ درصد مرد و ۴۵/۱ درصد زن بودند. نتایج نشان دهنده‌ی عوامل مهمی بود که بر روی فعالیت‌های ورزشی تأثیر عمده‌ای داشت و یا این‌که در دوره جوانی مشارکت دختران در ورزش به صورت خاص تحت تأثیر عوامل اجتماعی مانند دوستان و هم‌کلاسی‌ها قرار دارد. نقش والدین و دیگر عوامل را نیز بر روی فعالیت‌های فیزیکی باید به یاد داشت (Sabourin & Irwin, 2008).

«وندی» در سال ۲۰۰۸ به بررسی تأثیرات ویدئو و وسایل بصری بر روی فعالیت‌های فراغت یادگیران با نیازهای خاص پرداخته که می‌تواند برای بدست آوردن مهارت‌ها و آموزش در اوقات فراغت به کار رود و مدارکی در دست است که نشان می‌دهد این روش تأثیرات بخصوصی دارد. این تحقیق و بررسی بر روی دانش‌آموزانی که دارای ناتوانی‌ها هستند صورت گرفت. در این تحقیق کارمندان آموزش مخصوص از مدل‌سازی و ویدئویی در کلاس‌هایشان برای آموزش سه فرد خاص دارای اوتیسم برای بهبود رفتارشان، انتخاب‌هایشان و استقلال کاریشان، استفاده کردند. شرکت‌کنندگان در این تحقیق ۱۷ تا ۲۰ سال سن داشتند و دارای شرایط ذهنی دشوار و اوتیسم بودند. محقق دریافت که حمایت از استفاده مدل‌سازی ویدئویی برای کاهش رفتارهای ناصحیح، بهبود انتخاب‌ها و افزایش سطوح استقلال در طی زمان اوقات فراغت بسیار مفید خواهد بود (Wendy, 2008).

۳- مبانی نظری

سبز و کالر معتقدند اگرچه فعالیت‌های اجتماعی به طور کلی در همه جوامع مشاهده می‌شود، اما وقتی اهمیت خاصی می‌یابد و در جامعه‌ای مورد توجه کامل قرار می‌گیرد که جامعه به درجه تکامل لازم رسیده و مبارزه حیات جنبه مداوم نداشته باشد و افراد در مواقع معینی بتوانند به تفریح و سرگرمی بپردازند و در هر جا که نیازمندی‌های اساسی بشر کاملاً تأمین گردد، تفریح و سرگرمی مقام مهمی در زندگی احراز می‌کند. گزارش‌های مربوط به فرهنگ‌های اولیه حاکی از این است که اهمیت و میزان زمانی که صرف تفریح می‌گردد و همچنین درجه پیشرفت و تکامل سرگرمی‌ها بستگی کامل به رفاه مادی جامعه دارد. استانیور جامعه‌شناس آمریکایی در اثر خود به نام «آمریکائیان و تفریح» یادآور می‌شود که در دوران معاصر در همه کشورها عموماً و در آمریکا به‌ویژه تفریح در جهات خاصی پیش می‌رود. دو جهت اساسی و مهمتر عبارتند از:

۱- توسعه حیرت‌انگیز تسهیلات بازرگانی که موجب تفریح‌های به خصوص برای افراد می‌گردد.

۲- توسعه امکانات فردی و عمومی برای شرکت در بازی و ورزش.

اگرچه تفریح‌های بازرگانی تحمیلی به ویژه سینما، رادیو و تلویزیون سرگرمی اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند با این همه قسمت اعظم بودجه افراد صرف تفریح‌های ذوقی و انفرادی می‌گردد. رشد صنعت و فن‌آوری و گسترش شهرنشینی و به دنبال آن افزایش جمعیت از طریق مهاجرت از روستا به شهر به رهایی تکنولوژی نیروی کار انجامید و ضمن کاهش یافتن میزان ساعات کار رفاه بیشتری را برای بشر به ارمغان آورد؛ با این حال در بسیاری از زمینه‌ها مشکلات و مسائل تازه‌ای به وجود آمد که مهمترین آنها تغییر در ساختار خانواده است، زیرا گذران اوقات فراغت و برنامه‌های فراغتی نقش مهمی در انسجام و نزدیکی روابط خانوادگی با تجهیز نیروی انسانی و نسل آینده جامعه، ترمیم، بهبود و جلوگیری از فرسودگی و انحراف‌های اجتماعی دارد (کینگ، ۱۳۵۵، ۱۹۷-۱۹۶).

سیریل اسمیت نظریه‌های ویژه‌ای را که در زمینه فراغت از سوی متفکران اجتماعی اظهار شده است به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه اجتماعی‌شدن، نظریه نقش و پایگاه، نظریه خرده‌فرهنگ خاص جوانان.

نظریه اجتماعی‌شدن، فراغت را جزیی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که از طریق آن ایستارها و آموخته‌های لازم برای ورود به بزرگسالی باید آموخته شود. دیدگاه دوم، این دوره را یک دوره موقت و

ناپایدار به لحاظ نقش و پایگاه می‌داند و نظریه سوم هم خرده‌فرهنگ جوانان را مستقل از فرهنگ جامعه و حتی گاه متضاد با آن می‌بیند. پارکر نظریه اجتماعی کردن را به نقل از دبلیو والر (W.Waller) در کتاب خانواده چنین نقل می‌کند؛ در این دوره جوان از طریق خانواده و عضویت در سایر نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه و باشگاه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. خانواده از طریق برخی متغیرها مثل تمام‌وقت درس-خواندن یا زندگی کردن فرزند با خانواده یا استقلال مالی فرزند بر میزان و نحوه فراغت فرزندان اثر می‌گذارد. دین و مدرسه هم بر ایستارها و عادات فراغتی جوان اثر می‌گذارند. این دو نهاد در اجتماعی کردن ممکن است با تضادهایی روبرو شوند، چون باید هم به نیازهای جوان و هم به توقعات جامعه و رهبران اخلاق پاسخ دهند. فرآیند اجتماعی کردن در فاصله کمتر میان نهادها آسانتر خواهد بود (موموندی، ۱۳۸۰، ۴۴).

در مورد دیدگاه نقش و پایگاه دبلیو جی گود در (W.J.Goode) کتاب خانواده می‌نویسد: از این

دیدگاه نوجوانی یک دوره گذارا ناپایدار از مراحل مختلف پایگاه اجتماعی است که هر فردی باید طی کند. چون این دوره کوتاه و موقت است جوان نمی‌داند الگوی رفتاری مناسب چیست و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند. با ورود به دبیرستان یا دانشگاه، آزادی بیشتری احساس می‌کند اما در پایان دوره دبیرستان هم وقت او صرف رقابت برای ورود به آموزش عالی و کسب شغل می‌شود. این موقعیت به شدت بر اوقات فراغت او تأثیر می‌گذارد و آن را کاهش می‌دهد. چنانچه جوان وارد آموزش عالی نشود و به کاری تمام‌وقت بپردازد ناچار از آن است که فراغت برای او فراهم می‌شود. در این دیدگاه دختران کمتر وارد بازار کار می‌شوند و بیشتر در خانه می‌مانند و به کارهای خانه مشغول می‌شوند و در این شرایط دختران طبقات متوسط و بالا راحت‌تر می‌توانند در باشگاه‌های مختلف عضو شوند و یا برای فراغت خود برنامه‌ریزی کنند (همان، ۴۵).

نظریه پردازان دیدگاه سوم معتقدند، در این دوره سنی همین که کودکان به دوره نوجوانی وارد می‌شوند با همسالان خود، اجتماع می‌کنند و از شیوه‌های رفتاری مستقلی پیروی می‌نمایند. اجتماع جوانان در طبقات پایین به عنوان «فرهنگ کوچه و خیابان» معروف است. رسانه‌های گروهی مخصوص جوانان نیز آنان را به لحاظ فکری به هم پیوند می‌دهند. این مسأله سبب تضعیف پیوستگی جوانان با خانواده و افزایش اثر اجتماع همسالان بر انتخاب اوقات فراغت آنان می‌شود. از آنجا که جوانان به دنبال کسب تجارب جدید هستند و ذوق و سلیقه‌های تازه را می‌جویند در انتخاب فراغت کمتر از الگوهای پایدار و ثابت پیروی می‌کنند و خواستار تنوع در اوقات فراغت هستند. فرهنگ خاص جوانان بیشتر به فعالیت‌های لذت‌بخش

گرایش دارد و گاه فراغت‌های آنان با عکس‌العمل‌های اعتراض توأم می‌شود. بخشی از هنرمندان که الگوی جوانان قرار می‌گیرند این دو خصیصه را با هم ابراز می‌کنند. از دیگر ویژگی‌های این فرهنگ مقابله با نظام صنعتی است که جوانان را به رقابت و تلاش برای زندگی فرا می‌خواند و شدت رقابت و میزان توفیق روز به روز بیشتر و دشوارتر می‌شود. حرکات اعتراض‌آمیز آنان گاه به شکل مقابله با روابط نژادی و گاه به صورت آرزوی زندگی ساده‌تر و صمیمانه‌تر در روزگاران گذشته بروز می‌کنند. این فرهنگ در برخی موارد توانسته بر فرهنگ بزرگسالان اثر بگذارد و آنان را به سوی موسیقی عامیانه محبوب جوانان و گاه مدل‌های لباس و آرایش خاص جذب کند. طرفداران این نظر اعتقاد دارند که اثر خرده‌فرهنگ خاص جوانان بر اوقات فراغت بیش از خانواده و مدرسه است (همان، ۴۶).

۴- چارچوب نظری

اوقات فراغت با توجه به علایق، انگیزه و عواملی چون وضعیت اقتصادی و خصوصیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه جهت کمک به انسان‌ها برای تعالی معنوی، خودسازی، آماده‌شدن برای کارایی و بازدهی بیشتر است و نه صرفاً اتلاف وقت و بیهودگی. بهتر است که کارکرد اوقات فراغت را بر سایر بخش‌ها و امور مختلف اجتماعی مشخص کرد. اوقات فراغت می‌جزا از زندگی و قوانین و نقش‌ها نیست و با جامعه، خانواده، کار و مذهب ارتباط دارد. داشتن اوقات فراغت مستلزم پول و امکانات است که همگی در اختیار فرد نیست و در مراحل مختلف زندگی با خانواده و کار فرد در ارتباط است (همچنین اوقات-فراغت نمایانگر اخلاقیات یک فرهنگ بوده و همیشه در معرض تغییر قرار دارد و به همین دلیل زمینه اصلی رشد یک فرهنگ را نیز فراهم می‌کند).

در این تحقیق رویکرد کارکردگرایان به‌طور خاص آرای پارسونز و مرتن برای چارچوب نظری در نظر گرفته شده است. این رویکرد نظری که از آن به عنوان نظریه وفاق نیز نام برده می‌شود نظام جامعه یا نهادهای آن را متشکل از اجزای هسته‌ای می‌داند که در پیوند با یکدیگر فعالیت کرده، هر کدام کارکرد لازم و معینی را برای گردش کار و بقای کل جامعه یا نهاد انجام می‌دهند. از این دیدگاه طرز کار جامعه غالباً به طرز کار ارگانسیم تشبیه می‌شود که در آن هر یک از اعضای بدن نقش ویژه‌ای ایفا کرده و همه اعضا آن از لحاظ بقا به یکدیگر بستگی دارند.

الگوی کلی روابط متقابل بین اجزای نظام اجتماعی را ساختار آن تشکیل می‌دهد. در این ساختار هر یک از اجزاء کارکرد یا نقش ویژه‌ای در ارتباط با سایر اجزا و کل نظام برعهده دارند. پیوند و هماهنگی میان اجزا یگانگی و یکپارچگی نظام را به وجود می‌آورد علی‌رغم تغییراتی که در اجزاء و نهادهای اجتماعی اتفاق می‌افتد همواره در آن تعادلی برقرار می‌شود که ثبات و پایداری نظام را تضمین می‌کند و سرانجام توافق در نظام از طریق جامعه‌پذیری و القای ارزش‌های اساسی به اعضاء حاصل می‌گردد. از این دیدگاه افراد بخش لاینفکی از نظام اجتماعی تلقی می‌شود که کارکردهایی نظیر انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری، تربیت اخلاقی، انضباط، القای ارزش‌ها و آموزش فرزندان را برعهده دارد.

به‌طور حتم نقش‌های هر فرد در جامعه می‌تواند بازتابی از وضعیت اجتماعی وی باشد. کسب نقش‌های مختلف و کارکردهای خاص آن نمی‌تواند بدون ارتباط با وضعیت شغلی و تحصیلی او باشد. به‌عنوان نمونه فرد دارای تحصیلات بالا احتمالاً نقش‌های متناسب با سطح تحصیلات خود را کسب خواهد کرد و برای ایفای آنها تمایل نشان خواهد داد. بنابراین وضعیت و شأن اجتماعی از نظر این دیدگاه با در نظر گرفتن عناصر تشکیل دهنده آن می‌تواند تعیین‌کننده نقش‌های اجتماعی افراد باشد.

پارسونز با توجه به نظم اجتماعی، معتقد است که افراد با منزلت‌های متفاوت باید به شیوه‌های متفاوت فراغت خود را سپری کنند تا به انسجام نظام اجتماعی کمک کنند و این شیوه‌های متفاوت نیز از سبک‌های زندگی مختلف که دارند ناشی می‌شود. در واقع مجموعه‌ای از موقعیت‌های قشر بندی شده ناشی از وضعیت اجتماعی وجود دارد که سبب انگیزش خاص افراد در آن موقعیت به‌خصوص می‌شود و اوقات فراغت متناسب با آن را به وجود می‌آورد. او معتقد است که در هر کنشی که در سطح خرد از فرد سر می‌زند حرکت معنادار آن کنش گویند و می‌توانیم در آن حرکت سه خصلت عمده را ببینیم. خصلت ارگانیک، خصلت شخصیتی و خصلت فرهنگی است که از طریق آن با محیط ارتباط پیدا می‌کنیم.

غرایز انسانی فرهنگ‌پذیر می‌شوند و شامل سه قسمت هستند. عقاید و باورها، ارزشها و هنجارها و اینها نظام شخصیتی ما را به وجود می‌آورند که البته از شأن و وضعیت اجتماعی خانواده نیز تأثیر می‌پذیرد. از دیدگاه مرتن که یک کارکردگرا است نتیجه‌ای که از فعل و انفعالات عناصر درونی یک ساختار به وجود می‌آید مثل کارکرد خانواده که تربیت فرزند است معنی می‌شود. وی می‌گوید جامعه مجموعه‌ای از عناصری است که آن را تشکیل می‌دهند مثل اقتصاد، سیاست، فرهنگ، خانواده. از مهمترین نظراتی که مرتن در این زمینه داده است کارکرد آشکار و پنهان (مثبت یا منفی) باشد.

به‌عنوان مثال مرتن می‌گوید فرض کنیم در یک خانواده پسر و دختر احتیاج به محبت، عاطفه، گذران فراغت، راهنمایی و پول توجیبی دارند اگر این خانواده گسیخته باشد فرد ممکن است برای کسب محبت یا گذران فراغت به افراد تبه‌کار روی بیاورد که به او پول بدهند پس وضعیت و شأن اجتماعی والدین و نوع نگرش آنها در گذران اوقات فراغت فرزندان می‌تواند کارکردهای مثبت یا منفی داشته باشد. طبقه- اجتماعی و اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی افراد جامعه یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر اوقات فراغت و چگونگی گذران آن می‌باشد. «تفاوت طبقات اجتماعی در فراغت بسیار زیاد است، زیرا از تفاوت در درآمد، شرایط تحصیلی و ساعات کاری متوجه می‌شویم که افراد طبقه متوسط و کارگر اغلب فعالیت‌های فراغتی متفاوتی دارند. میشل آرگیل معتقد است طبقات مختلف فعالیت‌های فراغتی مختلفی دنبال می‌کنند، طبقات پایین‌تر در انواع فراغتهایی که ارزان هستند و از نظر جسمی طاقت فرسا نیست شرکت می‌جویند و در این جهت تماشای تلویزیون ارزان است و فعالیت جسمی کمتری را می‌طلبد همین جامعه‌شناس در تحقیقی که در مورد جامعه انگلیس انجام داده به این نتیجه رسیده که: «طبقات متوسط توانایی این را دارند که خرج بیشتری برای فراغت کنند، خانواده‌هایی که بالای ۳۰۰ واحد در هفته درآمد داشتند ۱۸/۳٪ درآمدشان را صرف فراغت کرده‌اند و آنهایی که زیر ۱۰۰ واحد در هفته درآمد دارند، ۱۱/۳٪ درآمدشان را صرف فراغت می‌کنند.

۵- روش تحقیق

در این تحقیق پرسش‌نامه توسط محقق ساخته تنظیم و بین دختران ۱۸-۱۵ ساله شهر آمل توزیع و نقطه‌نظرات آنها در مورد موضوع تحقیق دریافت شد. در خصوص پژوهش حاضر نیز به لحاظ ماهیت پژوهش و گستردگی جامعه مورد مطالعه شیوه پیمایش انتخاب گردید و از روش پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده خواهد شد. با توجه به نوع تحقیق و روش گردآوری داده‌ها برای تعیین حجم نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است که در فرمول ذیل تعداد آن ۳۸۰ نفر به‌دست آمده است.

$$\text{حجم نمونه} = \frac{4 \times 0/5 \times 0/5}{1 + \frac{1}{8000} \left(\frac{4 \times 0/5 \times 0/5}{0/0025} - 1 \right)} = 380$$

۶- متغیر وابسته

۱-۶- اوقات فراغت (تعریف نظری): به معنی وقت آزاد است که در جریان آن شخص ممکن است به تفریح یا استراحت بپردازد.

۲-۶- اوقات فراغت (تعریف عملیاتی): مدت زمانی است که فرد طی شبانه روز فارغ از کارهای الزامی به انجام فعالیت‌های مورد علاقه‌اش می‌پردازد.

۷- یافته‌ها و نتایج

بر اساس نتایج جدول شماره (۱) بالاترین درجه تأثیرگذاری مربوط به متغیر گروه مرجع (همسالان) با ۰/۳۷۹ می‌باشد. مقدار R^2 (ضریب تعیین) نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده (مدلی میزان تحصیلات والدین و گروه‌های مرجع به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت اجتماعی دختران به عنوان متغیر وابسته هستند) ۵۸/۶ درصد تغییر در نمرات مشارکت اجتماعی دختران را به حساب آورده است. به عبارت دیگر مدل انتخاب شده ۵۸/۶ درصد واریانس در متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی دختران) را به حساب آورده است.

جدول (۱): مدل رگرسیونی چندمتغیره بر میزان تمایل به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت دختران

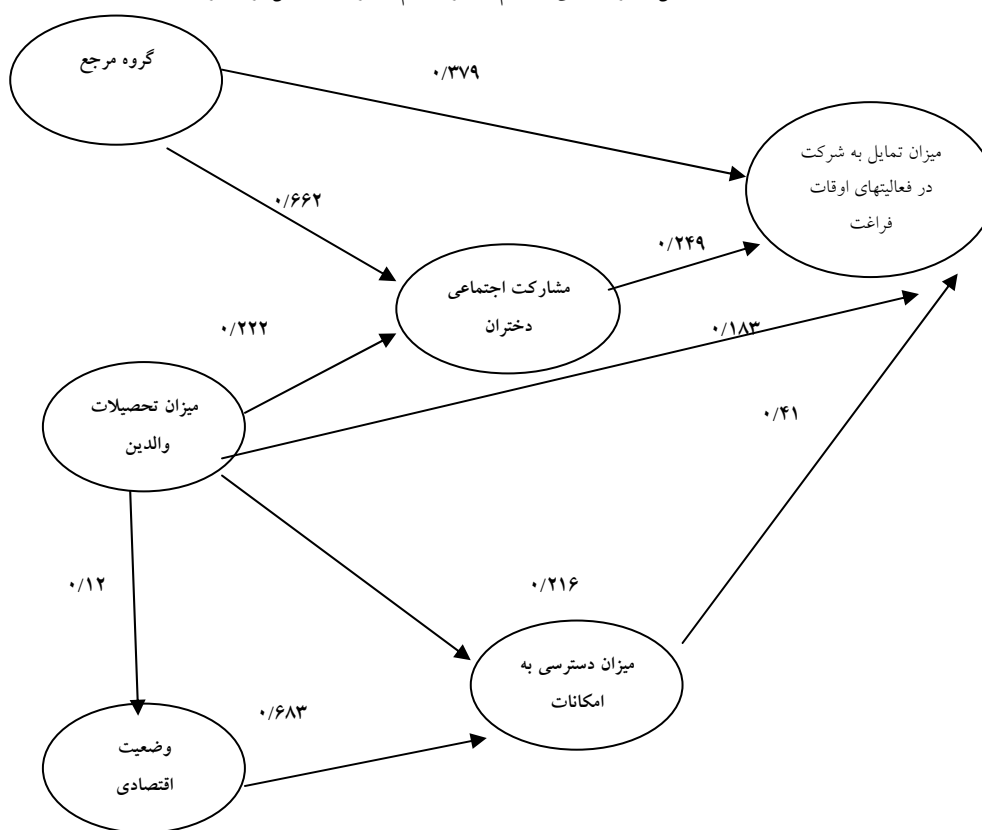
سطح معنی - داری	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
		ضریب استاندارد Beta	انحراف استاندارد β		
۰/۰۳۹	۲/۰۶۶	-	۰/۰۸۴	۰/۱۷۴	مقدار ثابت
۰/۳	۱/۰۳۱	۰/۰۶	۰/۰۴۶	۰/۰۰۴۷	وضعیت اقتصادی
۰/۰۰	۴/۱۳۹	۰/۱۸۳	۰/۰۴۳	۰/۱۷۹	تحصیلات والدین
۰/۰۰	۴/۵۵۳	۰/۲۴۹	۰/۰۴۷	۰/۲۱۲	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰	۷/۷۸۷	۰/۴۱	۰/۰۴۴	۰/۳۴۵	دختران
۰/۰۰	۶/۱۱۶	۰/۳۷۹	۰/۰۳۲	۰/۱۹۵	رشد تکنولوژی گروه مرجع (همسالان)

مدل	R	R^2	R^2 (تصحیح شده)	انحراف استاندارد برآورد
۱	۰/۷۶۶	۰/۵۸۶	۰/۵۸۴	۰/۵۴۸۵۱

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۶۰/۷۱۹	۲	۸۰/۳۵۹	۲۶۷/۰۹۵	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۱۳/۴۲۶	۳۷۷	۰/۳۰۱		
کل	۲۷۴/۱۴۴	۳۷۹			

مقدار سطح معنی‌داری در جدول فوق صفر است که از ۰/۰۵ کوچکتر است ($p < 0.05$) همچنین آماره F برابر ۲۶۷/۰۹۵ است که از مقدار F جدول با درجات آزادی ۲ و ۳۷۷ یعنی عدد ۳ بزرگتر است ($F > 3$). بنابراین مدلی که میزان تحصیلات والدین و گروه‌های مرجع به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت اجتماعی دختران به عنوان متغیر وابسته است، معنی‌دار است.

نمودار تحلیل تأثیرات علی مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته



۸- نتیجه گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به‌ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند از این‌رو به‌ویژه در جامعه آماری شاهد آن هستیم که دختران به جای استراحت در خانه، انجام کارهای منزل، تماشای تلویزیون، ویدئو و ماهواره، مطالعه کتاب و روزنامه و کارهای هنری به سوی انواع فراغت‌های بیرون از خانه شامل ورزش، سینما، موزه، پارک، کافی‌شاپ و مسافرت و رفتن به مراکز خرید و قدم‌زدن در خیابان‌ها متمایل شده‌اند.

اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد به‌نظر می‌رسد فراغت این قشر می‌تواند از بیرون به مکان‌های سر بسته‌ای که آسیب‌های بیشتری در پی دارد کشانده شود. سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیرآسیب‌زای اوقات آزاد دختران و زنان جوان را بارور سازد در فعالیت‌های فراغتی می‌تواند به کارکردهای مختلف استراحت، تفریح و رشد شخصیت از چشم انداز استعدادهای فرد در انجام وظایف شغلی، خانوادگی و اجتماعی پاسخ‌گوید به گونه‌ای که فرد بارفع خستگی صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجانها و فشارهای مداوم موجود در کار و انجام وظایف اجتماعی را جبران کند و با تفریح از کسالت ناشی از یکنواختی کار و فعالیت روزانه رها شود و فرصتی برای پرورش جنبه‌های عاطفی توانایی‌های ذهنی و روانی و بازسازی شخصیت خود فراهم سازد. نتایج نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین، میزان دسترسی به امکانات، مشارکت اجتماعی دختران، گروه مرجع (همسالان) همگی با میزان تمایل به شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت همبستگی معنی دار و مثبت دارند. همچنین از بین پنج متغیر مستقل گروه مرجع (همسالان) بیشترین تاثیر را بر فعالیتهای اوقات فراغت دانش آموزان داشته است و اگر دختران زمان فراغت را با دوستان و همسالان خود به نحو مثبت سپری کنند می‌توانند فعالیتهای مفید و موثری داشته باشند البته لازم به ذکر است که در این راه نقش والدین را نمی‌توان نادیده گرفت.

فهرست منابع

۱. ارکان، فخرالملوک، ۱۳۸۳، بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان، طرح تحقیقاتی سازمان آموزش و پرورش استان یزد.
۲. اصغری، ساساندخت، ۱۳۸۵، بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان دختر منطقه ۱۴ تهران، بی‌جا.

۳. پهلوان، منوچهر، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جوانان انتشارات مبعث بابل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.
۴. حاج عبدالباقی، زهرا، ۱۳۸۵، گذران اوقات فراغت دانش آموزان متوسطه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۵. شعاعی، فرانک، ۱۳۷۷، بررسی ارتباط چگونگی گذران اوقات فراغت تابستانی و میزان علاقه‌مندی نوجوانان دختر در دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۱۱ شهر تهران، دانشکده علوم پزشکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۶. کرباسی، منیژه، ۱۳۸۳، مسائل نوجوانان و جوانان، دانشگاه پیام نور، تهران.
۷. کینگ سامول، ۱۳۵۵، جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، انتشارات امیر کبیر.
۸. موموندی، افسر، ۱۳۸۰، بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
۹. واحدی، معصومه، ۱۳۹۰، سلامت اوقات فراغت نوجوانان دختران و پسران مقطع متوسطه شهر آمل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
10. Farr , Wendy(2008).The Effects of Video Modeling on Leisure Time Activities for Learners with Severe Special Needs. Arizona state university.94 pages, AAT 3302384.
- 11.Sharon Sabourin , Jennifer Irwin (2008). Prevalence of Sufficient Physical Activity among Parents Attending a University.JornalofAmerican college Health. Washingtonvol 6:pg.680,6.Pgs.
12. Ritzer, George(2007). Contem. Socio-Theory and its classical roots. 2 nd. Ed. MC. Graw tlll.
- 13- Macionis, J.J. (2007). Sociology Int. Edition, Parentice Hall.